

خلاصه معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

احمد رضا توحیدی *

مهدی کیخسروی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2019.83734.1477

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۴

چکیده

سدسازی یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های دست بشر است که از دوران باستان آغاز شده است. هرچند سدها در تأمین آب آشامیدنی، آبیاری، انرژی برق آبی و توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی دارند، نباید از آثار زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر آنها بر زیست‌بوم دولت‌های پیرامونی چشم‌پوشی کرد. امروزه فقدان مقررات قراردادی بین‌المللی در خصوص تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی منجر شده است که بسیاری از دولت‌ها از جمله ترکیه با استناد به دکترین حاکمیت مطلق سرزمینی، سدهای بی‌شماری در قلمرو سرزمینی خود بسازند. این امر خود منجر به کاهش منابع آبی، خشکسالی‌های متوالی، مهاجرت جمعیت، پدیداری سرچشمه‌های گردوغبار در کشورهای مجاور و نهایتاً ایجاد اختلافات در سطح بین‌المللی شده است. این پژوهش به بررسی وقایع حقوقی حوزه سدسازی نظیر قضیه گابچیکوو - ناگیماروس، قضیه سد، پروژه سدسازی گاپ، سد کجکی و سد دوستی پرداخته و از رهگذر وقایع مزبور، قواعد ناظر بر سدسازی دولت‌ها را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

سدسازی، دکترین حاکمیت مطلق سرزمینی، پروژه سدسازی گاپ، کمیسیون جهانی سدها، قاعده استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین

Ar.tohidi@qom.ac.ir

* نویسنده مسئول، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم و مدرس دانشگاه حکیم سبزواری

mkeykhosravi@ut.ac.ir

مقدمه

با توجه به نقش حیاتی آب، در تمامی ادوار زندگی بشر و گسترش روزافزون جمعیت، بحران کم‌آبی قابل پیش‌بینی بوده و همواره کارشناسان را بر آن داشته تا با ارائه طرح‌ها و شیوه‌های مهار آب، اتلاف آب را کاهش داده و به‌سهولت در دسترس عموم قرار دهند. سال‌هاست که سدسازی به‌عنوان مانعی در برابر حرکت آب و ذخیره‌کردن آن در مخازن عظیم، تولید انرژی و ... یکی از راهکارهای اساسی به‌شمار رفته است.^۱ علاوه بر آن، سدهای بزرگ از نمادهای مدنیت هستند و در کنترل سیل، تولید برق و انرژی ارزان و پاک، نقش مهمی دارند.^۲ سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۷ در واکنش به رشد چشمگیر پروژه‌های سدسازی «کمیسیون جهانی سدها»^۳ (از این پس، کمیسیون ۱۹۹۷) را تأسیس کرد. این کمیسیون در گزارش خود راجع به سدها و توسعه، در اهمیت سدها بیان می‌کند که این سازه‌های دست بشر با هدف همزیستی بین سه عنصر آب، انرژی و توسعه اقتصادی بشر تأسیس شده‌اند.^۴ بنابراین امروزه از سدهای بزرگ به‌عنوان یکی از عناصر فیزیکی مؤثر در رشد و توسعه بشری یاد می‌شود.^۵ علی‌رغم نقش سدها در توسعه بشر نباید از تأثیرات منفی سدها بر محیط‌زیست پیرامون خود، نظیر جمعیت ماهی‌ها چشم‌پوشی کرد.^۶ هرچند کمیسیون ۱۹۹۷، به منظور کاهش و امحای آثار منفی سدها بر محیط‌زیست طبیعی، راهکار تنظیم قواعد اساسی توسط دولت‌ها را پیشنهاد کرده است،^۷ دولت‌ها در طراحی و اجرای پروژه‌های سدسازی به آثار زیست‌محیطی سدها توجه چندانی ندارند.^۸ فقدان قوانین و مقررات بین‌المللی در خصوص تعهدات ناظر بر فرایند سدسازی و استناد دولت‌ها به دکتترین «حاکمیت مطلق سرزمینی»^۹ بیش از پیش به این کم‌توجهی دولت‌ها دامن

۱. پیرستانی، محمدرضا و مهدی شفقتی؛ «بررسی اثرات زیست محیطی احداث سد»، فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی، دوره اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۴۰.

۲. Wieland, Martin, Tan, John S.Y., Ren, Qingwen, *New Developments in Dam Engineering*, CRC Press, 2014, p. 755.

۳. World Commission on Dams (1997).

۴. The Report of the World Commission on Dams, *Dams and Development: A New Framework for Decision-Making*, Earthscan Publications Ltd, 2000, p. 11.

۵. Versluis, Jan. Cornelisse, Peter A., *Education in Developing Countries: Rotterdam, 18-20 November 1963*, Springer Publisher, 2013, p. 54.

۶. Skinner, Gary. Crafer, Ken. Turner, Melissa, Skinner, Ann, Stacey, John, *Cambridge IGCSE® and O Level Environmental Management Coursebook*, Cambridge University Press, 2017, p. 96.

۷. The Report of the World Commission on Dams, *op. cit.*, p. 223.

۸. مهاجری، سیدحسین، سیدمحمدامین نجیبی و مهدی شهرکی؛ «مروری بر روش‌های حفاظت از محیط‌زیست در پروژه‌های سدسازی»، فصلنامه مهندسی و مدیریت ساخت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، ص ۲۱.

۹. Absolute Territorial Sovereignty

دکتترین حاکمیت مطلق سرزمینی بعد از اینکه جانسون هارمون، دادستان کل ایالات متحده آمریکا بر حق مطلق ایالات متحده آمریکا به منظور منحرف کردن رودخانه ریوگراندا در سال ۱۹۸۵ تأکید کرد به دکتترین هارمون معروف شد. این دکتترین در معاهده

زده است. مطابق دکترین حاکمیت مطلق سرزمینی که بر مبنای مفهوم سنتی و مطلق‌گرایانه حاکمیت سرزمینی بنا شده است، هر دولت، صرف‌نظر از پیامدهای اقداماتش برای دیگر دولت‌های ذی‌ربط، حاکمیت نامحدود و مطلق را بر آب‌های موجود در قلمروش اعمال می‌کند. این دکترین در واقع به سود دولت‌های بالادست رود عمل می‌کند.^{۱۰} دخل و تصرف یک‌جانبه و نامحدود دولت‌های بالادست رودخانه از طریق ساخت سدهای متعدد، منجر به تبعات منفی زیست‌محیطی از قبیل کاهش حق‌آبه دولت‌های پایین‌دست، خشک‌شدن زمین‌های کشاورزی،

۱۹۰۶ بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک در خصوص توزیع منصفانه آب‌های رودخانه ریوگرانده برای اهداف آبیاری و معاهده ۱۹۰۹ میان ایالات متحده آمریکا و کانادا در رابطه با آب‌های مرزی و مسائل ناشی از مرز میان دو دولت متجلی شده است. البته دولت ایالات متحده آمریکا بعد از مدتی از دکترین هارمون در معاهدات مزبور دست کشید. ن.ک:

Mizanur Rahaman, Muhammad, "Principles of International Water Law: Creating Effective Transboundary Water Resources Management", *Int. J. Sustainable Society*, vol. 1, No. 3, 2009, p. 209.

۱۰. از آنجا که این دکترین برخلاف عدالت و انصاف است نه در رویه‌های بین‌المللی به کار برده شده و نه رویه‌های قضایی آن را تأیید کرده است. علاوه بر این، در برخی آرای قضایی بین‌المللی از جمله در قضیه تنگه کورفو از این نظریه انتقاد شده است. این انتقادات سبب شد که به تدریج نظریات دیگری از جمله دکترین تمامیت مطلق سرزمینی، دکترین حاکمیت محدود سرزمینی، دکترین مدیریت مشترک یا حاکمیت مشترک مطرح شود. بر اساس نظریه اول، دولت ساحلی رودخانه نمی‌تواند در وضع طبیعی دولت خود، تغییرات جدی ایجاد کند، به طوری که سبب تغییرات و اثرات منفی مهمی در سایر دولت‌ها شود زیرا این تغییرات بر تمامیت ارضی دولت‌های پایین‌دست اثر خواهد گذاشت. نظریه دوم یعنی دکترین حاکمیت محدود سرزمینی مبتنی بر این فرض است که هر دولت ساحلی حق استفاده و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در دولت خودش را دارد، به شرطی که این استفاده به قلمرو سرزمینی دولت‌ها و دولت‌های دیگر خسارت نرساند. در این مورد، حاکمیت بر منابع مشترک آب، نسبی و مشروط است. کلیه دول هم‌جوار نسبت به بهره‌برداری از آب آبراه‌های مشترک، از تکالیف و حقوق متقابلی برخوردارند. به عبارت بهتر، این دکترین بر این ایده استوار است که رودخانه‌های بین‌المللی منابع مشترکی هستند که توسط آن‌ها «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی شکل می‌گیرد. وجود اجتماع منافع مشترک نیازمند تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت است که پاسخگوی نیازها و استفاده هریک از آن‌هاست. و نهایتاً، طبق نظریه سوم، کلیه دولت‌های ساحلی آبراهه بین‌المللی، نسبت به آن رودخانه دارای حاکمیت مشترک هستند و رودخانه بین‌المللی، واحد اقتصادی محسوب می‌شود که منابع آن متعلق به تمام دولت‌های ساحلی است. در این راستا دولت‌های ساحلی آبراه‌های بین‌المللی باید سازگار بین‌المللی برای تدوین و اجرایی کردن سیاست‌های مشترک مدیریتی، حفاظتی و توسعه حوضچه آبریز ایجاد بکنند. امروزه در بین نظریات یادشده، دکترین حاکمیت محدود سرزمینی، نظریه غالب است و دولت‌ها در راستای پذیرش این نظریه حرکت کرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد درباره استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی از دکترین مزبور تأثیر پذیرفته است. این کنوانسیون در بند دوم ماده ۷، بر لزوم مشارکت دولت‌های ساحلی آبراه‌های بین‌المللی در استفاده، توسعه و حفاظت از آبراه‌های بین‌المللی به روشی منصفانه و معقول تأکید دارد و در ماده ۵ به عوامل مؤثر در تعیین میزان استفاده منصفانه و معقول از آبراه‌های بین‌المللی نظیر مشخصات طبیعی، هیدروگرافی، اقلیم و غیره اشاره دارد. ن.ک: فریده محمدعلی‌پور؛ حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، میزان، ۱۳۹۶، صص ۴۴-۴۳. شیرازیان و عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، فصلنامه پایداری، توسعه و محیط‌زیست، دوره دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۷۵-۷۸. محسن عبداللهی، جلال عطاری و فریبا آوریده؛ «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۸۷-۸۰.

بیکاری و ایجاد پدیده ریزگردها شده است. تداوم بی‌رویه این سدسازی‌ها در سایه کمبود منابع آبی می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد. با عنایت به آنچه بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که تجزیه و تحلیل جامع و روزآمد از تعهدات دولت‌ها در فرایند سدسازی در پرتو پیشرفت‌های روزافزون حقوق بین‌الملل معاصر، امری ضروری است. بنابراین در تحقیق حاضر، در ابتدا وقایع حقوقی در حوزه سدسازی بررسی و سپس با توجه به وقایع مزبور، قواعد حقوقی در این زمینه استخراج می‌شود.

۱. وقایع حقوقی

به منظور نیل به قواعد حقوقی در حوزه سدسازی، بررسی وقایع، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در این خصوص وقایع زیادی متصور است که بررسی تمام این موارد، مجال و فرصت بیشتری می‌طلبد. در نتیجه در تحقیق حاضر، شماری از این وقایع بررسی می‌شود.

الف. قضیه پروژه گابچیکوو - ناگیماروس (مجارستان/اسلواکی) (رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷)^{۱۱}

در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۷ قراردادی میان مجارستان و اسلواکی به منظور اجرای عملیات ساختمانی سد گابچیکوو (در اسلواکی) - ناگیماروس (در مجارستان) بر روی رودخانه دانوب^{۱۲} منعقد و از ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد.^{۱۳} در مقدمه این قرارداد چنین بیان شده است که این قرارداد به منظور توسعه منابع آبی، حمل‌ونقل، کشاورزی، انرژی و سایر حوزه‌های مرتبط با اقتصاد ملی منعقد شده است. علاوه بر این، طرفین قرارداد متعهد شده‌اند که در اثر اجرایی شدن این قرارداد، سطح کیفی آب رودخانه دانوب کاهش پیدا نکند.^{۱۴} در پی ایجاد طرح سد بر روی رودخانه دانوب و همچنین اعمال پروژه *واریانت C*^{۱۵} به صورت یک‌جانبه از سوی اسلواکی که به شدت به دنبال توسعه اقتصادی بود،

11. Case concerning the Gabčíkovo - Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), ICJ Reports, 1997. Available at: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/92/092-19970925-JUD-01-00-EN.pdf>

12. Danube River

13. طبیعی، سبحان؛ دیپلماسی محیط‌زیست و حقوق بین‌الملل توسعه پایدار، مجد، ۱۳۹۵، صص ۶۴-۶۳.

14. Lewis, Melissa, Kuokkanen, Tuomas. Couzens, Ed. Honkonen, Tuula. *International Environmental Law-making and Diplomacy: Insights and Overviews*, Routledge Publisher, 2016, pp. 10-34.

15. Variant C

در دوران توقف پروژه، مذاکراتی بین دو طرف صورت گرفت. دولت اسلواکی راه‌حلی ارائه کرد که یکی *واریانت C* بود که به‌عنوان راه‌حل موقتی ارائه شد. به‌موجب آن، اسلواکی به‌صورت یک‌جانبه رودخانه بین‌المللی دانوب را به طول ۱۰ کیلومتر در قلمرو سرزمینی خود منحرف کرد که در قسمت انتهایی مسیر پیشنهادی منجر به اتصال بندهای آب شد. شایان ذکر است دولت اسلواکی در سپتامبر سال ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که بر مبنای این راه‌حل موقت، عملیات ساخت پروژه گابچیکوو را اجرا کند. دولت فدرال اسلواکی در ۲۵ ژوئیه همان سال این تصمیم را تأیید و از نوامبر سال ۱۹۹۱ کار اجرایی آن را آغاز کرد. ن.ک: ICJ Reports. 1997, p. 22.

این کشور با اصرار بر اتمام پروژه، سبب تخریب تالاب‌های منطقه، آلودگی منابع آب و خشک‌شدن مراتع و جنگل‌ها شد و در این راه پس از بروز اختلافات زیاد و تبدیل شدن این موضوع به موضوعی ملی - میهنی برای دو کشور، اختلاف در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح شد.^{۱۶} این اقدام به دنبال تعلیق و کناره‌گیری مجارستان از ادامه پروژه به دلایل ضرورت زیست‌محیطی و تعویض نظام سیاسی این کشور از کشوری کمونیستی به کشوری هم‌سو با غرب که پیش از این همگرایی بسیار زیادی در روابط بین‌المللی خصوصاً با کشورهای کمونیستی داشت صورت گرفت. در این قضیه از دیوان خواسته شد که ابتدا در این مورد رأی صادر کند که آیا مجارستان، حق رهاسازی پروژه اسلواکی، حق اجرای *واریانت C* و مجارستان، حق فسخ قرارداد را داشتند؟ در رابطه با ادعای اول، دیوان اظهار داشت که مجارستان با قطع پیگیری عملیات پروژه، قرارداد را نقض کرده است و نمی‌تواند برای توجیه نقض قرارداد، به عذر ضرورت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی استناد کند. در مورد دوم، اقدام اسلواکی مبنی بر محروم کردن مجارستان از داشتن «سهم معقول و منصفانه»^{۱۷} از رود *دانوب*، با اجرای *واریانت C* غیرقانونی اعلام شد. در نهایت، دیوان حکم کرد که فسخ قرارداد از سوی مجارستان بی‌اعتبار است.^{۱۸} در هر حال، این قضیه اولین قضیه زیست‌محیطی است که در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده و دیوان در آن به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حوزه سدسازی اشاره کرده است.^{۱۹}

۱۶. موسوی، سیدفضل‌الله؛ سیر تحولات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، میزان، ۱۳۸۵، ص ۴۳۰.

17. Equitable and Reasonable Share

در تعیین سهم معقول و منصفانه دولت‌های مجاور رودخانه‌های بین‌المللی باید عوامل متعددی نظیر عوامل طبیعی (مثل جغرافیا و آب و هوا)، نیازهای اجتماعی و اقتصادی دولت‌های حاشیه آبراه، آثار استفاده از آبراه توسط یک دولت حاشیه آبراه بر سایر دولت‌های حاشیه آبراه، استفاده‌های بالفعل و بالقوه از آبراه‌ها، محافظت، حمایت، توسعه و استفاده اقتصادی از منابع آبی آبراه‌ها را در نظر گرفت. البته این فهرست کامل نیست و تمام عوامل باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص هر قضیه ارزیابی شود. ن.ک:

Kaya, Ibrahim, *Equitable Utilization: The Law of Non-navigational Uses of International Watercourses*, Ashgate Publishing, 2003, pp. 91-92.

۱۸. در این قضیه توجیهات مختلف فسخ قرارداد که مجارستان مطرح کرد، از جمله این ادعا که هنجارهای جدید حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، عدم اجرای قرارداد را توجیه می‌کند نیز مورد قبول دیوان قرار نگرفت. ن.ک: ستار عزیز و سیدمهدی موسوی؛ «پرونده گابچیکو - ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۲-۱۱۱.

19. Atapattu, Sumuda, *Emerging Principles of International Environmental Law*, Transnational Publisher, United States, 2007, p. 150.

ب. قضیه سد گت (کانادا/ ایالات متحده امریکا) (آرای ۱۹۶۸)^{۲۰}

در سال ۱۸۷۴ کانادا پیشنهاد ساخت سد گت بین جزیره آدامز^{۲۱} در سرزمین کانادا و جزیره لس گالوپس^{۲۲} در سرزمین ایالات متحده امریکا را به منظور بهبود دریاوردی ارائه کرد. دولت ایالات متحده ضمن موافقت‌نامه ۱۹۰۳ این پیشنهاد را پذیرفت. منتهی دولت ایالات متحده در این خصوص دو شرط وارد کرد: ۱- چنانچه بعد از احداث سد، سطح آب دریاچه/اونتاریو^{۲۳} یا رودخانه استی لاورنس^{۲۴} تحت تأثیر قرار بگیرد و به تبع آن به منافع دولت ایالات متحده خسارت وارد شود، دولت کانادا باید بر اساس فرمان‌های مدنظر وزارت جنگ اقدام کند.

۲- چنانچه ساختمان و عملکرد سد، منجر به ورود خسارت به مالکان اموال مستقر در جزیره لس گالوپ یا اموال سایر شهروندان دولت ایالات متحده امریکا بشود، دولت کانادا بابت خسارات وارده به زیان دیدگان باید غرامت بپردازد. در فاصله سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ سطح آب رودخانه بالا رفت و منجر به جاری شدن سیل و ورود خسارت به سواحل جنوب و شمال دریاچه‌های پنج‌گانه از جمله دریاچه/اونتاریو و دارایی‌های اتباع امریکا شد. در سال ۱۹۶۲ کنگره ایالات متحده امریکا ابتدا «کمیسیون حل‌وفصل دعاوی خارجی»^{۲۵} تأسیس کرد و سپس دولت‌های ایالات متحده امریکا و کانادا در سال ۱۹۶۵ موافقت‌نامه‌ای امضا کردند که طبق آن، دادگاه دعاوی مربوط به دریاچه/اونتاریو تأسیس شد. دادگاه اولین رأی خود را در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۸ صادر کرد. در فرایند دادرسی، اولین مسئله‌ای که در دادگاه مطرح شد، در خصوص مسئولیت دولت کانادا بابت خسارات ناشی از سد گت بود. دولت کانادا معتقد بود که صرفاً بابت خسارات وارده به طبقه کوچکی از اشخاص یعنی مالکان اموال مستقر در جزیره لس گالوپ مسئول است. در مقابل، ایالات متحده امریکا استدلال کرد که بر اساس موافقت‌نامه ۱۹۰۳ کانادا ملزم است به کلیه شهروندان ایالات متحده امریکا که

20. Gut Dam Case (United States and Canada) (Decisions 1968). Available at: <http://www.fao.org/docrep/005/W9549E/w9549e07.htm>

21. Adams Island

22. Les Galops Island

23. Ontario Lake

24. St. Lawrence River

25. Foreign Claims Settlement Commission

این کمیسیون به منظور رسیدگی به دعاوی اتباع ایالات متحده امریکا علیه دولت کانادا بابت خسارات وارده سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ در اثر ساخت و حفاظت سد گت در رودخانه/استی لاورنس تأسیس شد. صلاحیت کمیسیون در این خصوص بیشتر ناظر بر تصمیم‌گیری در خصوص تعیین صحت و میزان خسارات وارده ناشی از سد بود. متعاقب تصمیمات اتخاذی در تمامی دعاوی ارجاعی، اعضای کمیسیون باید گزارشی را به رئیس کمیسیون (آقای/ادوارد دومینیک ری) جهت بررسی صحت اقدامات ارائه می‌کرد. اگرچه موعد قانونی به منظور تکمیل برنامه وجود نداشت، کمیسیون ۱۵ اکتبر را به‌عنوان موعد تکمیل کل برنامه و تحویل گزارش خود تعیین کرد. ن.ک:

Crawford, James, Robb, Cairo A. R. Bethlehem, Daniel L. Sands, Philippe. *International Environmental Law Reports*, Cambridge University Press, vol. 1, 1999, p. 395.

سیل به اموال و دارایی‌هایشان خسارت وارد کرده، غرامت بپردازد. رأی دادگاه مطابق با موضع ایالات متحده امریکا صادر شد. دادگاه اعلام کرد که تعهدات دولت کانادا علاوه بر ساکنان جزیره لس‌گالوپ، بر سایر شهروندان ایالات متحده امریکا هم تسری می‌یابد. در نتیجه کانادا در صورت نقض تعهداتش حسب مورد نسبت به هر دو دسته یا یکی از آنها مسئول است. رأی ۱۲ فوریه ۱۹۶۸ دادگاه در پاسخ به این مسئله صادر شد که آیا بازه زمانی در خصوص تعهد دولت کانادا به جبران خسارت وارده بر شهروندان ایالات متحده امریکا وجود دارد؟ به‌طور مختصر باید گفت که کانادا معتقد بود تعهد به جبران خسارت، بازه زمانی خاصی دارد که در سال ۱۹۰۸ منقضی شد. در مقابل، ایالات متحده امریکا معتقد بود در این خصوص بازه زمانی خاصی وجود ندارد چرا که کانادا در سال ۱۹۵۲ یادداشت دیپلماتیکی به ایالات متحده امریکا فرستاده است و در این یادداشت، کانادا خسارات ناشی از سد را بر عهده گرفته است. در نتیجه نمی‌توان استدلال کرد که دوره زمانی تعهدات آن سپری شده است. دادگاه بیان کرد که مقامات کانادایی در اظهارنظرهای دیپلماتیک خود به‌طور صریح بر تعهدشان به پرداخت غرامت تا سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ گردن نهاده‌اند. نهایتاً دادگاه در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ رأی سوم خود را صادر کرد. مذاکراتی بین دو کشور انجام شد که زمینه‌ساز انعقاد موافقت‌نامه‌ای شد. بر اساس این موافقت‌نامه، کانادا باید ۳۵۰ هزار دلار به ایالات متحده امریکا به‌خاطر خسارات وارده به شهروندانش بپردازد. دادگاه در خصوص تعهد طرفین به حل‌وفصل اختلاف، اعلامیه مشترک صادر کرد.^{۲۶}

ج. پروژه سدسازی گاپ^{۲۷} (ترکیه)

مرکز سدسازی دولت ترکیه در حوزه رودهای دجله و فرات در جنوب شرق این کشور قرار دارد.^{۲۸} ترکیه از سال ۱۹۷۷ در قالب پروژه گاپ^{۲۹} در مسیر دجله و فرات، چند سد ساخت. در این پروژه بلندپروازانه، ترکیه سعی کرد با انحراف جریان آب دجله و فرات، ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه آبی بسازد تا آب مورد نیاز ۱/۷ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را با حجم ذخیره مخزن ۳۲ میلیارد متر مکعب تأمین کند. این امر خود موضوع بهره‌برداری آب‌های دجله و فرات را به آتشی زیر خرمن تبدیل کرد. هرچند در سال ۱۹۸۰ ترکیه طبق معاهده‌ای پذیرفت تا حداقل دبی ۵۰۰ مترمکعب

26. Gut Dam Case (United States and Canada), Decisions of 1968 rendered by the Lake Ontario Claims Tribunal Available at: <http://www.fao.org/docrep/005/W9549E/w9549e07.htm>

27. GAP Daming Project

28. The Report: Turkey 2012, *Oxford Business Group*, 2012, p. 108.

29. بعضی نویسندگان معتقدند که آغاز به کار پروژه گاپ یا همان پروژه آناتولی جنوبی مربوط به قبل از دهه ۷۰ است. آن‌ها معتقدند که پروژه گاپ به دستور آتاتورک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه و با هدف منحرف کردن آب دجله و فرات به سمت مناطق کم‌آب و صنعتی ترکیه مطرح شده است. ن.ک:

Davis, Peter. L. Stefano, Michelle. *The Routledge Companion to Intangible Cultural Heritage*, Routledge Publisher, 2016, p. 167.

بر ثانیه از آب رود فرات را برای دو همسایه سوریه و عراق تأمین کند، عملاً این امر تحقق نیافت. در قالب همین پروژه در سال ۱۹۹۲ سد آتاتورک^{۳۰} با حجم مخزن ۳۰ میلیارد متر مکعب ساخته شد. سد آتاتورک که در مرز جنوب شرقی خاک ترکیه و در مسیری بعد از سد کبان^{۳۱} ساخته شده، امروز بزرگ‌ترین سد خاورمیانه و نهمین سد بزرگ دنیا شناخته شده و از پتانسیل حبس تمامی آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است. در مرحله اول آبیگری این سد، زمانی که ترکیه به سوریه و عراق اعلام کرد که قصد دارد برای یک ماه جلوی مسیر این رود را ببندد، خشم هر دو کشور برانگیخته شد. از زمان احداث سد مذکور، حجم عظیمی از آب در پشت آن مهار شده که این مسئله موجب نارضایتی دو کشور سوریه و عراق شد. علاوه بر آنچه گفته شد، سدهای کاراکایا^{۳۲} (سال تکمیل: ۱۹۸۷) که موجب نگرانی هر دو کشور عراق و سوریه شد، سد بیرجیک^{۳۳} (سال تکمیل: ۲۰۰۱) و سد کاراکامیش^{۳۴} (که ساخت آن از سال ۱۹۹۶ آغاز شد) همه از مجموعه سدهای پروژه گاپ است که موجب کاهش هرچه بیشتر حق‌آبه کشورهای سوریه و عراق شد.^{۳۵} علاوه بر این، احداث این سدها منجر به غرق شدن صدها سایت باستان‌شناسی شد.^{۳۶} در این زمینه به‌طور دقیق می‌توان به سد/یلیسو^{۳۷} که یکی از سدهای پروژه گاپ است اشاره کرد. ساخت/یلیسو موجب زیرآبرفتن شهر تاریخی حسن کیف^{۳۸} شده است.^{۳۹}

30. Ataturk Dam

31. Keban Dam

کارهای مقدماتی به منظور ایجاد سد کبان در سال ۱۹۶۴ صورت گرفت. قرارداد اصلی ساخت سد کبان در ۱۹ فوریه ۱۹۶۶ بین حکومت ترکیه و یک کنسرسیوم ایتالیایی - فرانسوی به امضا رسید. بانک سرمایه‌گذاری اروپایی و حکومت‌های فرانسه، آلمان و ایتالیا تأمین مالی این پروژه را بر عهده گرفتند. این پروژه در سال ۱۹۷۴ تکمیل شد. پروژه سد کبان هرچند بخشی از یک طرح بزرگ‌تر است، تا امروز در چارچوب پروژه گاپ قرار نگرفته است. در سال ۱۹۶۸ گزارش شد که سد کبان قادر است ۶۰۰ میلیون کیلو وات برق تولید و ۱ میلیارد و ۶۵ میلیون هکتار از اراضی را آبیاری کند. ن.ک:

Kolars, John F. Mitchell, William A., *The Euphrates River and the Southeast Anatolia Development Project*, Southern Illinois University, 1991, pp. 26-27.

32. Karakaya Dam

33. Birecik Dam

34. Karkamış Dam

۳۵. عساری، مهتاب؛ «پروژه GAP آتشی زیر خاکستر (سدسازی بی‌رویه در آناتولی ترکیه)» هیئت حسابرسی، زیست‌محیطی و توسعه پایدار، ۱۳۹۵، صص ۶-۷ جهت دسترسی به متن مقاله مزبور، ن.ک:

www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/hesab_zistmohiti/sadsazi_torkieh.pdf

36. Sharon R. Steadman, Gregory McMahon, *The Oxford Handbook of Ancient Anatolia: (10,000-323 BCE)*, Oxford University Press, 2011, p. 445.

37. Ilisu Dam

38. Hasankeyf

این شهر باستانی در استان باتمان در جنوب دولت ترکیه واقع شده است. ن.ک:

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B5%D9%86_%DA%A9%DB%8C%D9%81%D8%A7

39. Brennan, Shane. Herzog, Marc, *Turkey and the Politics of National Identity: Social, Economic and Cultural Transformation*, I.B.Tauris Publishers, 2014, p. 281.

با وجود این، در عرصه بین‌المللی احداث پروژه گاپ به‌ویژه سد ایلیسو باعث کاهش ۴۷ درصدی آب رود دجله و محروم شدن ۵۰ درصدی ساکنان شهر موصل عراق از دسترسی به منابع آب در فصل تابستان می‌شود.^{۴۰} ساخت این سد همچنین موجب خواهد شد که ۶۹۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی عراق از آبیاری محروم شود. نکته جالب توجه این است که پروژه گاپ چنان به محیط‌زیست آسیب می‌رساند که محافل زیست‌محیطی در داخل ترکیه نیز اعتراض کردند زیرا در داخل خاک ترکیه منجر به زیرآبرفتن و محو برخی آثار باستانی و کوچ اجباری برخی اقوام می‌شود. با عنایت به این مسئله که ۸۵ درصد آب شیرین عراق از رودهای دجله و فرات تأمین می‌شود، پروژه سدسازی گاپ از لحاظ زیست‌محیطی منجر به کاهش و خشک شدن منابع آبی عراق شده است.^{۴۱} آثار منفی احداث پروژه گاپ علاوه بر دولت‌های عراق و سوریه، متوجه دولت ایران هم هست. ۵۶ درصد آب دجله از ترکیه وارد می‌شود و در صورت تکمیل پروژه گاپ، تغییرات زیادی در محیط‌زیست ایران ایجاد می‌شود که آسیب‌های شدیدی به همراه خواهد داشت. در واقع با تکمیل این پروژه، تالاب‌های بین‌النهرین عراق که آب‌شان از دجله سرچشمه می‌گیرد، سریعاً خشک می‌شوند. بدین ترتیب با خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تالاب هورالعظیم در خوزستان، بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگرد در منطقه خواهد شد و ۲۵ استان غربی و مرکزی ایران با معضل ریزگردها روبه‌رو خواهند شد. افزایش چشمگیر این مسئله، ارمغان حذف حق‌آبه دولت‌های سوریه و عراق از دجله و فرات است. بر این اساس، امروزه کارشناسان معتقدند منشأ خارجی ریزگردهای جنوب غرب و غرب ایران عمدتاً بیابان‌های عربستان، عراق و سوریه است که به‌ویژه بستر خشک دجله و فرات به علت سیاست‌های سدسازی در کشور بالادست (ترکیه) مسبب آن است.^{۴۲} بنابراین تکمیل پروژه گاپ سبب می‌شود که از یک طرف رودخانه دجله در عراق و تالاب هورالعظیم در ایران با خشکی و کمبود آب مواجه شوند و از طرف دیگر، این امر منجر به تولید ریزگردها در سطح کشور عراق و انتقال آن به استان‌های مرزی ایران و شهرهایی مثل اهواز می‌شود.^{۴۳}

40. Mc Glade, Katriona. Behnassi, Mohamed, *Environmental Change and Human Security in Africa and the Middle East*, Springer Publisher, 2017, p. 245.

۴۱. عصارى؛ همان، ص ۸.

۴۲. رنجبر حیدری، وحید و ابراهیم جمشیدی؛ «بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های زیست محیطی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۲۱-۲۱۹.

۴۳. ستاری، محمدتقی؛ «بررسی اثرات منطقه‌ای پروژه‌های توسعه منابع آب ترکیه: مطالعه موردی پروژه گاپ و سد ایلیسو»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶، ص ۵.

د. سد کجکی^{۴۴} و سد ارغنداب^{۴۵} (افغانستان)

سد کجکی بر روی رود هیرمند در محل کجکی واقع در ۸۰ کیلومتری شمال گریشک^{۴۶} ساخته شده است.^{۴۷} در سال ۱۳۳۲ شمسی عملیات احداث آن پایان یافت و سد شروع به آبیگری کرد. این سد به منظور آبیاری زمین‌های کشاورزی و استفاده برای صنعت و شرب مناطق شمالان، نادعلی، سرچاء درویشان و دیگر مناطق پایین‌دست ساخته شده است.^{۴۸} در حال حاضر این سد تقریباً تمام انرژی جنوب افغانستان را تأمین می‌کند.^{۴۹} یکی دیگر از سد هایی که بر روی رود هیرمند احداث شده، سد/ارغنداب نام دارد. سد مزبور در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی قندهار قرار دارد.^{۵۰} کار ساخت این سد ۳۸۸ مترمربعی در سال ۱۹۵۲ به پایان رسید.^{۵۱} تأمین آب مورد نیاز زمین‌های کشاورزی اطراف قندهار و آب شرب این شهر از اهداف احداث سد یاد شده است.^{۵۲} طبق نظر کمیسیون مشترک دلتای هیرمند که در سال ۱۹۴۷ با شرکت نمایندگانی از امریکا، شیلی، کانادا، ایران و افغانستان برای حل مناقشه آبی به وجود آمد، «سد کجکی سدی است مخزنی و در مواقع طغیان، آب‌های زائد را جمع‌آوری می‌کند؛ بنابراین موجب توسعه پروژه‌های عمرانی قسمت علیای رودخانه می‌شود، بدون آنکه در آب سهم ایران، نقصانی به وجود آورد. به علاوه امکان دارد پس از تکمیل کار ساختمانی سد مخزنی کجکی، نقشه‌های عمرانی پروژه بقرا/ توسعه یابد بدون اینکه به آبیاری ناحیه دلتای سیستان و چغانسور، ضرری وارد آورد». اما افغانستان به دلیل خشکسالی به‌طور پیوسته از پرداخت حق‌آبه ایران خودداری کرده است. در واقع به هنگام خشکسالی، افغان‌ها آب را در قسمت علیای رودخانه می‌گرفتند و مانع از رسیدن آن به قسمت‌های پایین می‌شدند و در نتیجه ضرر متوجه سیستان ایران بود. دولت ایران در اظهارنظرهای رسمی خود، بارها به این مسئله واکنش

44. Arghandab Dam

45. Kajaki Dam

46. Gereshk

گرشک بزرگ‌ترین شهر ولسوالی (شهرستان) نهری سراج در استان هلمند در جنوب افغانستان است. ن.ک:

Clark, Robert M. Mitchell, William L. *Target-Centric Network Modeling: Case Studies in Analyzing Complex Intelligence Issues*, CQ Press in United States, 2015.

47. Glyn Williams, Brian. *Afghanistan Declassified: A Guide to America's Longest War*, University of Pennsylvania Press, 2012, p. 82.

48. عزتی، عزت‌الله، محمدحسن خضری و محبوبه نیک‌فرجام؛ «تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۴.

49. Christina. Jones, Anthony. Vardanian, Trahel. *Threats to Global Water Security*, Springer Publisher, 2009, p. 184.

50. Aloys, Arthur M., *The Kabul, Kunduz, and Helmand Valleys and the National Economy of Afghanistan: A Study of Regional Resources and the Comparative Advantages of Development*, National Academy of Science- National Research Council Whashington, D.C., 1959, p. 207.

51. Adman, Fatemeh, *Water Dispute Escalating between Iran and Afghanistan*, Atlantic Council, 2016, p. 2

52. عزتی و دیگران؛ همان، ص ۱۰۴.

خلا معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از ... ❖ ۳۹۵

نشان داده است.^{۵۳} به منظور حل اختلاف، در سال ۱۹۵۱ معاهده‌ای تحت عنوان «معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان»^{۵۴} منعقد شد. به موجب ماده ۲ موافقت‌نامه مزبور، «حق‌آبه دولت ایران از رود هیرمند در هر ثانیه ۲۲ مترمکعب است که به این مقدار ۴ مترمکعب دیگر هم افزوده شد». موافقت‌نامه در ماده ۴ در خصوص سال‌های کم‌آب بیان می‌کند که «در سال‌هایی که در اثر حوادث اقلیمی مقدار جریان آب از سال نرمال آب کمتر باشد و ارقام اندازه‌گیری دستگاه آب‌شناسی دهرآود جریان مربوط به ماه‌های قبل ماه مورد بحث را نسبت به ماه‌های مشابه سال نرمال آب، مقدار کمتری نشان دهد، ارقام مندرج در ستون ۲ جدول ماده ۳ به تناسبی که در جریان واقعی ماه‌های ماقبل همان سال آب (در این صورت جریان ماه مارس ماقبل تا ماه مورد بحث) با ماه‌های مشابه یک سال نرمال آب دارد برای ماه‌های آینده همان سال آب تعدیل می‌یابد و مقادیر تعدیل‌شده در مواضع مندرج در ماده ۳ به ایران تحویل داده می‌شود».

هـ. سد دوستی^{۵۵} (ایران - ترکمنستان)

دولت ترکمنستان وارث توافقات ایران و شوروی سابق در خصوص سد پل خاتون بر هریرود است که بعدها به نام سد دوستی معروف شد. دو کشور بر مبنای توافقات پیشین، اقدامات مشترک را برای اجرایی‌کردن عملیات احداث سد آغاز کردند. این اقدامات با اعتراض افغانستان در سال ۱۳۷۵ مواجه شد که اظهار می‌کرد احداث سد سلما^{۵۶} بر این رودخانه را در دست دارد. از آنجا که احداث سد دارای سابقه طولانی توافقات بین ایران و شوروی بود و در تاریخ یادشده عملیات اجرایی سد نیز آغاز شده بود، دولت ایران از دولت افغانستان خواست کماکان موجبات جاری‌بودن همان مقدار آبی را که قبل از احداث سد سلما در مرز مشترک ایران و افغانستان جریان داشته به سرحدات ایران برساند. از این رو احداث سد ادامه یافت و در ۲۳ فروردین سال ۱۳۸۳ با حضور رؤسای جمهوری

۵۳. موسی‌زاده، رضا و مرتضی عباس‌زاده؛ «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۷۷.

54. Afghan-Iranian Helmand-River Water Treaty

جهت دسترسی به این سند، ن.ک:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/95041>.

55. Doosti Dam

56. Salma Dam

عملیات عمرانی سد در قسمت فوقانی منتهی به رود هریرود از زمان آغاز ساخت سد در سال ۱۹۷۶ به مدت مدیدی به تعویق افتاده است. این سد ۴۲ مگاوات برق تولید و بیش از ۴۰ هزار هکتار از اراضی را آبیاری می‌کند. ایران این پروژه را در آن طرف مرز، تهدید علیه منابع آبی می‌داند. شایان ذکر است که دولت هند اخیراً ساخت سد سلما را در غربی‌ترین بخش افغانستان به پایان رسانده است. ن.ک:

Bradnock, Robert W, *The Routledge Atlas of South Asian Affairs*, Routledge Publisher, 1st ed., 2016, p. 171. & Wirsing, Robert G. Adeel, Zafar. *Imagining Indus: Overcoming Water Insecurity in the Indus Basin*, Springer Publisher, 2016, at. p.10.

ایران و ترکمنستان به بهره‌برداری رسید.^{۵۷} دو دولت از منافع حاصل از سد به‌طور مساوی بهره‌مند می‌شوند.^{۵۸} شایان ذکر است که این سد در ۲۶۰ کیلومتری شمال شرق شهر مشهد و نقطه صفر مرزی ایران و ترکمنستان قرار گرفته است.^{۵۹} در مجموع، اهداف مورد نظر از سد دوستی عبارت‌اند از: ۱- ذخیره‌سازی و تنظیم آب رودخانه فصلی هریرود ۲- تأمین بخشی از آب آشامیدنی شهر مشهد ۳- تأمین آب کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان ۴- تثبیت مرز ایران و ترکمنستان در برابر سیلاب‌های فصلی. سد مزبور بر روی رودخانه‌ای احداث شده که سرچشمه آن در هیچ‌کدام از دو کشور ایران و ترکمنستان قرار ندارد (رودخانه هریرود از کوه‌های مرکز افغانستان سرچشمه می‌گیرد). بنابراین وابسته‌شدن شهرها و مناطق پایین دست به آب این سد می‌تواند در شرایط بحران و اضطراری، به‌صورت اهرم فشاری در دست افغانستان قرار گیرد و از این طریق برای دو کشور ایران و ترکمنستان ایجاد وضعیت کرده یا آن‌ها را وادار به دادن امتیاز کند. بر این اساس، از دیدگاه ژئوپولیتیک، احداث این سد، موقعیت افغانستان را به‌مراتب مناسب‌تر از ایران کرده و زمینه وابستگی بیشتر ایران را به افغانستان فراهم آورده است. علاوه بر این، بی‌شک با برقراری ثبات در افغانستان، دولت اقدامات جدی خود را جهت مهار آب‌های مرزی خود پیگیری خواهد کرد. این مؤلفه، تهدید جدی برای ایران در بر خواهد داشت که تنها با دیپلماسی فعال در جهت بهبود هرچه بیشتر روابط در زمینه‌های مختلف می‌توان به توافقاتی بر سر این رودخانه و رعایت حقوق پایین دست در جهت بهره‌برداری از آب‌های مشترک دست یافت.^{۶۰}

۲. قواعد حقوقی

از رهگذر وقایع حقوقی، قواعد حقوقی پدیدار می‌شوند که حفاظت و حمایت از محیط‌زیست را به همراه دارند. در ذیل، تعدادی از این قواعد بررسی می‌شود:

الف. قاعده استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین^{۶۱}

در جرگه اسناد بین‌المللی، قاعده استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین برای اولین بار در «اعلامیه استکهلم»^{۶۲} شناسایی شد. به‌موجب اصل ۲۱ این اعلامیه، «دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل

۵۷. محمدعلی پور؛ همان، صص ۱۳۳-۱۳۲.

58. Berga, L. Bofill, J.C. Polimon, A. Buil, E. De Cea, J.A, Manueco, J. *Dams and Reservoirs, Societies and Environment in the 21st Century*, Taylor & Francis Group, 2006, p. 523.

59. Hrdina, Ivan. Romancov, Georgij. Zlámál, Jaromír. Barták, Jirí. *Underground Space – The 4th Dimension of Metropolises*, CRC Press, 2007, p. 583.

۶۰. عزتی؛ خضری و نیک‌فرجام؛ همان، صص ۱۰۱-۱۰۰.

61. The Rule of Non-Harmful Use of Land

62. Stockholm Declaration

متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابع‌شان مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود هستند و باید ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آن‌ها زیان نرساند.^{۶۳} قاعده مزبور در حقوق بین‌الملل از جایگاه عرفی برخوردار است و به همین جهت در اسنادی که بعد از کنفرانس/استکهلم تنظیم شده، نظیر کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به تنوع زیستی^{۶۴} و اعلامیه ریو^{۶۵} بر آن تأکید شده است.^{۶۶} اولین رأی مراجع قضایی بین‌المللی که به قاعده مزبور پرداخت، رأی داوری قضیه *تریل/اسملتر*^{۶۷} میان دو دولت ایالات متحده آمریکا و کانادا بود. دیوان داوری پس از رسیدگی‌های جامع و رجوع به نظام حقوقی دولت ایالات متحده

۶۳. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم دربردارنده تعهد عام دولت‌ها به حفاظت از محیط‌زیست است. ن.ک:

Sage-Fuller, Bénédicte, *The Precautionary Principle in Marine Environmental Law, with Special Reference to High Risk Vessels*, Routledge Publisher, 2013, pp. 66-67.

64. United Nations Convention on Biological Diversity

ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به تنوع بیولوژیک به اظهار داشته است: مطابق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌ها دارای حقوق حاکمه به منظور بهره‌برداری از منابع‌شان مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود هستند و مسئول‌اند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آن‌ها نشود.

65. Rio Declaration

مفاد ماده ۲ اعلامیه ریو همانند اصل ۲۱ اعلامیه/استکهلم و ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به تنوع بیولوژیک است، با این تفاوت که مطابق ماده ۲ اعلامیه ریو دولت‌ها می‌توانند مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی و توسعه‌ای، از منابع‌شان بهره‌برداری کنند در حالی که مطابق ماده ۲۱ اعلامیه/استکهلم و ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد مربوط به تنوع زیست‌شناختی، دولت‌ها می‌توانند مطابق سیاست‌های صرفاً محیط‌زیستی از منابع‌شان بهره‌برداری کنند. از این تفاوت می‌توان چنین برداشت کرد که قصد طرف‌ها مطابق اعلامیه این بوده است که نمی‌خواهند اجازه بدهند نگرانی‌های زیست‌محیطی مانع تحقق اهداف توسعه‌ای آن‌ها بشود. ن.ک:

Verma, Rajinder, *Management of Natural Resource and Laws in India*, Laxmi Book Publication, 2016, p. 94.

۶۶. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، پژوهشکده علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۵۸-۶۰.

67. Trail Smelter

در اثر انتشار دی اکسید سولفور ناشی از فعالیت‌های کارخانه ذوب آهن *تریل* در کانادا، خساراتی به محصولات کشاورزی، مراتع و درختان ایالات متحده آمریکا وارد شد. انتشار دی اکسید سولفور و ورود خسارت به طریق قابل توجهی بعد از ۱۹۰۶ و مجدداً بعد از ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷ افزایش یافت که منجر به ارجاع مسئله به کمیسیون مشترک بین‌المللی کانادا - آمریکا شد. این کمیسیون بر مبنای معاهده ۱۹۰۹ درباره آب‌های مرزی تأسیس شد. در فوریه ۱۹۳۱ اعضای کمیسیون به اتفاق آرا دولت کانادا را به پرداخت ۳۵۰ هزار دلار بابت خسارات وارده در بازه زمانی منتهی به ژانویه ۱۹۳۲ محکوم کردند. کمیسیون در خصوص خسارات وارده بعد از ژانویه ۱۹۳۲ و استفاده از تجهیزات به منظور جلوگیری از انتشار سولفور توصیه‌هایی کرد. ایالات متحده آمریکا در فوریه ۱۹۳۳ به ورود خسارات بیشتر اعتراض کرد و در آوریل ۱۹۳۵ دو طرف با انعقاد موافقت‌نامه موافقت کردند اختلاف خود را به دیوان داوری ارجاع دهند. ن.ک:

Sands, Philippe. Peel, Jacqueline. *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2016, p. 254.

امریکا بیان داشته است: «طبق اصول حقوق بین‌الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط ... (آن کشور به کشوری دیگر شود)».^{۶۸} قاعده مزبور در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله سدسازی از توان اجرایی بالایی برخوردار است. قاعده استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین در فرایند دادرسی قضیه سد گابچیکوو - ناگیماروس مورد توجه بود. مجارستان استدلال می‌کرد که الزامات حقوق بین‌الملل درباره حفاظت از محیط‌زیست، اجرای معاهده را غیرممکن کرده است و تعهد از پیش ایجادشده ممنوعیت ورود خسارت اساسی به سرزمین دولت دیگر مطابق با اصل پیشگیری، به «تعهد عام‌الشمول»^{۶۹} پیشگیری از خسارات تبدیل شده است. در نتیجه مجارستان استدلال کرد که به دلیل مخالفت طرف مقابل با به‌تعلیق‌درآوردن کار واریانت C، مجبور به پایان‌دادن به آن شده است.^{۷۰} دیوان در این رأی اظهار می‌دارد که تعهد دولت‌ها به ممنوعیت ایجاد خسارت زیست‌محیطی فرامرزی، مبتنی بر عرف بین‌المللی است.^{۷۱} در خصوص رود هیرمند که امروزه سدهای متعددی نظیر سد/رغنداب و سد کجکی بر روی آن ساخته شده است، معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان در ماده ۵ اظهار می‌کند که افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حق‌آبه آن از آب رود هیرمند(هلمند) که مطابق احکام مندرج مواد ۲ و ۳ و ۴ این معاهده تثبیت و محدود شده است بعضاً یا کلاً محروم کند.^{۷۲} به عبارت بهتر، دولت افغانستان متعهد است که از هر اقدامی در سرزمین خود که منجر به ورود زیان به محیط‌زیست دولت ایران می‌شود خودداری کند. همان‌گونه که مشاهده شد، معاهده مزبور بر قاعده استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین تأکید کرده است. در عصر حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل، پروژه سدسازی گاپ در ترکیه است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، اجرای پروژه مذکور منجر به کاهش منابع آبی و خشکسالی‌های متوالی در کشورهای عراق و سوریه و پدیداری چشمه‌های گردوغبار در ایران شده است. مذاکرات دیپلماتیک دولت‌های سوریه، عراق و ایران با دولت ترکیه تا به امروز به نتیجه‌ای نرسیده است. به نظر می‌رسد دولت‌های سوریه و عراق می‌توانند

۶۸. موسوی، سیدفضل‌الله، سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۱-۱۲.

۶۹. *Erga Omnes*

۷۰. ICJ Reports. 1997, p. 62

۷۱. Lyster, Rosemary. Bradbrook, Adrian. *Energy Law and the Environment*, Cambridge University Press, 2006, p. 38

۷۲. همچنین در ماده ۶ معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان به قاعده استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین اشاره شده است براساس ماده مزبور افغانستان اقدامی نخواهد کرد که حبابه ایران برای زراعت به طور کلی نامناسب شود یا به مواد شیمیایی حاصله از فاضلاب صنایع به حدی آلوده شود که با آخرین روش‌های فنی و معمول قابل تصفیه نبوده و استعمال آب برای ضروریات معدنی ناممکن و مضر شود.

به استناد قاعده عرفی استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، علیه دولت ترکیه در مراجع بین‌المللی اقامه دعوا کنند و دولت ایران به‌عنوان دولت ثالث به این دعوا ورود پیدا کند. در خصوص دیوان بین‌المللی دادگستری، هر سه کشور ترکیه، عراق و ایران به تبع عضویت در سازمان ملل، خودبه‌خود عضو دیوان هم هستند. رسیدگی در دیوان تابع موافقت‌نامه خاصی است که توافق صریح طرف‌ها در آن درج شده باشد. بنابراین دولت‌های ترکیه و عراق با انعقاد موافقت‌نامه خاص می‌توانند دعوا را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند. علاوه بر این، چنانچه طرف‌ها «اعلامیه شرط اختیاری»^{۷۳} دیوان را پذیرفته باشند به‌صرف درخواست یکی از طرف‌ها، دیوان از صلاحیت رسیدگی به دعوا برخوردار است. در خصوص اعلامیه شرط اختیاری، دولت ایران در سال ۱۹۳۰ این اعلامیه را تحویل دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری داد و در سال ۱۹۵۱ آن را از جانشین دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری تحویل گرفت. دولت‌های ترکیه و عراق هم تا به امروز این اعلامیه را صادر نکرده‌اند. بنابراین حل‌وفصل اختلاف ترکیه، عراق و ایران تا زمانی که این اعلامیه را صادر نکنند از رهگذر این سازکار میسر نیست. علاوه بر این، قاعده یادشده در خصوص سد دوستی قابلیت اجرایی دارد. دولت افغانستان باید در جریان ساخت سد سلما بر هریرود از هرگونه اقدامی (مثلاً خودداری از کاهش حق‌آبه) که منجر به ورود زیان به محیط‌زیست سرزمین دولت‌های ترکمنستان و ایران می‌شود، خودداری کند. با عنایت به مطالب اخیرالذکر می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها در فرایند سدسازی متعهد به رعایت قاعده عرفی استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین هستند و نقض این قاعده مسئولیت بین‌المللی‌شان را به دنبال دارد.

ب. قاعده ضرورت^{۷۴}

سرآغاز قاعده ضرورت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست را باید در اعلامیه‌های *استکهلم* و *ریو*^{۷۵}

73. Optional clause declaration

اعلامیه شرط اختیاری صلاحیت دیوان، عملی یکجانبه است که دولت‌ها براساس اقتدار حاکمیتی خود و به‌موجب بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری صادر می‌کنند. به‌موجب این مقررده دولت‌های امضاکننده این اساسنامه می‌توانند بنا به اختیار خود در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات مدنظر دیوان باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل شود خود به خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند. ن.ک:

Tomuschat, Christian, Zimmermann, Andreas, Oellers-Frahm, Karin, Tams, Christian J., *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, 2012, p. 677.

74. The Rule of Necessity

۷۵. ماده ۵ اعلامیه استکهلم اظهار می‌دارد: رشد طبیعی جمعیت دائماً مشکلاتی برای محیط‌زیست به وجود می‌آورد و برای مقابله با این مشکلات باید در زمان مناسب سیاست‌ها و اقدامات بسنده‌ای در پیش گرفته شود. همچنین به‌موجب اصل ۴ اعلامیه ریو به منظور دستیابی به یک توسعه پایدار، باید حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی شود و نباید آن را جداگانه بررسی کرد.

جستجو کرد. مطابق این قاعده قدیمی و نخستین حقوق بین‌الملل، ضروری است برای جلوگیری از ورود خسارات به محیط‌زیست، کلیه اقدامات ممکن انجام گیرد.^{۷۶} در حوزه حقوق بین‌الملل، این قاعده برای اولین بار در اختلاف بین مجارستان و اسلواکی یا همان قضیه سد مطرح شد.^{۷۷} در این قضیه دولت مجارستان برای توجیه اقدام خود در فسخ معاهده، به ضرورت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست استناد کرد. دیوان این مسئله را این‌گونه بررسی کرد که آیا در سال ۱۹۸۹ حالت ضرورت مطابق حقوق بین‌الملل وجود داشت تا بر اساس آن مجارستان بتواند بدون آنکه از مسئولیت بین‌المللی برخوردار باشد، اموری را که مطابق با معاهده ۱۹۷۷ و اسناد ذی‌ربط، متعهد به اجرای آن بوده تعلیق و رها کند؟ دیوان اظهار می‌کند که حالت ضرورت در حقوق بین‌الملل به‌عنوان یکی از عوامل زائل‌کننده وصف فعل متخلفانه^{۷۸} پذیرفته شده است. در این قضیه دیوان شرایط مقرر در ماده ۳۳ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها را مدنظر قرار می‌دهد: بر این اساس در حالت ضرورت، عمل متخلفانه باید تنها راه کشور به منظور حفاظت از منفعت اساسی در برابر خطر شدید و قریب‌الوقوع باشد، به‌گونه‌ای شدید، منفعت اساسی یک یا چند کشور را در برابر آنچه تعهد در برابر آن وجود دارد یا جامعه بین‌المللی در مجموع را به مخاطره نیافکند، کشور مورد نظر، خود وضعیت ضرورت را ایجاد نکرده باشد و تعهد بین‌المللی مورد بحث، امکان استناد به ضرورت را سلب نکرده باشد. این شرایط در حقوق بین‌الملل عرفی متبلور شده است. دیوان تصدیق کرد که نگرانی‌های مجارستان در خصوص محیط‌زیست طبیعی منطقه‌اش که متأثر از پروژه گابچیکوو - ناگیماروس است مرتبط با منفعت اساسی آن دولت در مفهوم ماده ۳۳ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌هاست. با وجود این، دیوان در رابطه با گابچیکوو - ناگیماروس اعلام کرد که اولاً، احراز خطرات استنادی دولت مجارستان به حد کفایت نرسیده. ثانیاً، خطرات استنادی دولت مزبور قریب‌الوقوع نیست. علاوه بر این مجارستان می‌توانست به‌جای رهاسازی پروژه، راهکار مذاکره به منظور تجدیدنظر در پروژه و تمدید مهلت‌های آن را تعقیب کند. سرانجام دیوان این ادعای مجارستان را در خصوص اختتام و عدم اجرای معاهده به دلیل پدیداری شرایط جدید حقوق

۷۶. مشهدی، علی و عزیزالله فهیمی؛ *اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست*، دانشگاه قم، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲.

۷۷. حالت ضرورت متمایز از سایر عوامل زایل‌کننده وصف متخلفانه است. پروفیسور جیمز کرافورد معتقد است که حالت ضرورت برخلاف رضایت، دفاع مشروع و اقدام متقابل منوط به رفتار قبلی دولت زیان دیده است. برخلاف فورس ماژور آن متضمن نیروی خارجی تحمیلی نمی‌باشد. برخلاف اضطرار که متضمن خطرات تهدیدکننده علیه جان اشخاص است حالت ضرورت ناظر بر خطرات تهدیدکننده علیه منافع اساسی دولت، دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در کل است. ن.ک:

Dekker, I.F. Hey, E. *Netherlands Yearbook of International Law Volume 41: Necessity Across International Law*, Cambridge University Press, 2010, pp. 179-186.

۷۸. جهت آشنایی بیشتر با عوامل زایل‌کننده وصف عمل متخلفانه دولت‌ها ن.ک:

Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries, 2001, Shaw, Malcolm N., (2016), *International Law*, Cambridge University Press, 2016, pp. 793-799.

خلاً معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از ... ❖ ۴۰۱

بین‌الملل راجع به حفاظت از محیط‌زیست طبیعی نپذیرفت.^{۷۹} علاوه بر این، قاعده ضرورت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان مورد تأکید قرار گرفته است. به‌موجب ماده ۷ این موافقت‌نامه، هر نوع ابنیه فنی مشترک که احداث (اعمار) آن به منظور استحکام بستر رود در مواضعی که خط سرحد در بستر رود هیرمند(هلمند) واقع شده لازم دیده شود، بعد از موافقت طرفین بر شرایط و مشخصات آن می‌تواند احداث شود. بر این اساس دولت‌های ایران و افغانستان می‌توانند به منظور حفاظت از بستر رود، اقدامات ضروری را به عمل آورند. ماده ۳۳ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها، مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، تدوین قواعد عرفی است و دیوان در رأی گابچیکوو - ناگیماروس بر این امر صحنه گذاشته است، منتهی از این قاعده به‌عنوان قاعده استثنایی یاد می‌کند که صرفاً تحت شرایط خاصی قابل استناد است. این قاعده زمانی در حوزه سدسازی کاربرد دارد که بین منفعت اساسی دولت (به‌طور مثال، حفاظت از محیط‌زیست طبیعی) با اجرای تعهد معاهده‌ای آن دولت تعارضی پدیدار شود. در صورت تحقق چنین فرضی، محیط‌زیست به‌عنوان میراث مشترک نسل‌های مختلف ادوار بشری نسبت به سایر قواعد حقوقی در اولویت قرار می‌گیرد. در نتیجه دولت مربوط مکلف به اتخاذ کلیه تدابیر و اقدامات ضروری به منظور حفاظت از محیط‌زیست است. در واقع می‌توان چنین استنباط کرد که این قاعده در فرض حصول شرایط، گامی مثبت در جهت گذار قواعد نرم حوزه سدسازی به قواعد سخت آن حوزه است.

ج. قاعده توسعه پایدار^{۸۰}

این قاعده با هدف آشتی میان سه عنصر جدایی‌ناپذیر توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و احترام به محیط‌زیست مطرح شد. هرچند اسناد نرم بین‌المللی نظیر اعلامیه/ستکهلم، موضوع توسعه پایدار را تأیید کرده‌اند، پیشرفت اندکی در ارائه تعریف توسعه پایدار حاصل شده است.^{۸۱} با وجود این، کمیسیون جهانی توسعه و محیط‌زیست^{۸۲} در سال ۱۹۸۷ توسعه پایدار را تعریف کرد. بر این اساس،

79. ICJ Reports. 1997, pp. 31-78.

80. The Rule of Sustainable Development

81. Pearce, David. Barbier, Edward. Markandya, Anil, *Sustainable Development: Economics and Environment in the Third World*, Routledge Publisher, 2013, p. 1

82. World Commission on Environment and Development

کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (کمیسیون بروتلند) به‌موجب قطعنامه ۳۸/۱۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد. یکی از اهداف تأسیس کمیسیون مزبور، ارائه راهبردهای زیست‌محیطی طولانی‌مدت به منظور نیل به توسعه پایدار است. مهم‌ترین اقدام کمیسیون مزبور، انتشار گزارش «آینده مشترک ما» بود. با انتشار گزارش مزبور برای اولین بار مفهوم توسعه پایدار مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفت. ن.ک:

Issar, Arie S., *Progressive Development: to Mitigate the Negative Impact of Global Warming on the Semi-arid Regions*, Springer Publisher, 2010, p. 19.

توسعه پایدار به معنای «برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به‌مخاطره‌انداختن ظرفیت‌های نسل‌های آینده است به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد».^{۸۳} «کمیسیون ۱۹۹۷» در خصوص اهمیت محیط‌زیست در تحقق قاعده توسعه پایدار بر این باور است که مسائل کلیدی مرتبط با جنبه‌های مختلف سدسازی نظیر جنبه زیست‌محیطی آن باید در رابطه با نقش سدها در توسعه پایدار مورد توجه قرار بگیرد.^{۸۴} کمیسیون معتقد است که توجه به قاعده توسعه پایدار در حوزه منابع آبی و انرژی (سدها) پیامدهای مثبتی نظیر تحصیل موافقت عموم، حفظ محیط‌زیست و حیات رودخانه، توجه به وضعیت سدهای موجود، تضمین تبعیت از قوانین، تحکیم صلح و امنیت و توسعه بشر را به دنبال دارد.^{۸۵} در حوزه رویه قضایی بین‌المللی، تأسیس شعبه ویژه محیط‌زیست توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۳ گام نخست در جهت تکامل قاعده توسعه پایدار در سطح بین‌المللی بود.^{۸۶} در گام بعدی قضیه سد گابچیکوو و ناگیماروس اولین قضیه ترافیعی است که به‌طور مستقیم مسائل مرتبط با حقوق بین‌الملل از جمله قاعده توسعه پایدار را مطرح می‌کند. دیوان در قضیه مزبور در خصوص قاعده توسعه پایدار بیان می‌کند: در طول قرون، بشر برای مقاصد اقتصادی و غیراقتصادی، همواره در طبیعت مداخله کرده و در گذشته این مداخله اغلب بدون توجه به اثرات آن بر محیط‌زیست صورت گرفته است. به کمک اکتشافات علمی و افزایش آگاهی‌های مردم نسبت به خطرات زیست‌محیطی برای بشر، معیارها و هنجارهای جدیدی شکل گرفته است که در طول دو دهه گذشته در بسیاری از اسناد حقوقی معرفی شده است. این هنجارها و معیارهای جدید، صرفاً نه در زمانی که کشورها در صدد انجام اقدامات جدید هستند، بلکه همچنین در زمان‌هایی که در حال ادامه فعالیت‌های آغازشده در گذشته هستند، باید مورد توجه قرار گرفته و از اهمیت لازم برخوردار شود. این نیاز به ایجاد سازگاری بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست، آن گونه که ضرورت دارد در بحث توسعه پایدار مطرح شده است.^{۸۷} دیوان در این قضیه بر اهمیت توسعه پایدار در مدیریت منابع آبی به‌عنوان جزئی از محیط‌زیست

83. Rogers, Peter P., Jalal, Kazi F., Boyd, John B., *An Introduction to Sustainable Development*, Earthscan Publisher, 2008, pp. 8-9.

همچنین جهت آشنایی با سایر تعاریف ارائه شده از توسعه پایدار، ن.ک:

Gonzalez, Carmen G., Alam, Shawkat. Atapattu, Sumudu. Razzaque, Jona, *International Environmental Law and the Global South*, Cambridge University Press, 2015; Stokes, Elen, *Environmental Law*, Oxford University Press, 2017; Viñuales, Jorge E., *The Rio Declaration on Environment and Development: A Commentary*, Oxford University Press, 2015.

84. The Report of the World Commission on Dams, *op. cit.*, p. 27.

85. *Ibid.*, p. 214.

86. Belkin, Shimson. *Environmental Challenges*, Springer Publisher, 2012, p. 455.

۸۷. عزیزی و موسوی؛ همان، صص ۱۱۳-۱۰۹.

خلا معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از ... ❖ ۴۰۳

طبیعی تأکید می‌کند.^{۸۸} قاضی *ویرامانتری*^{۸۹} در نظر جداگانه خود معتقد است قاعده توسعه پایدار به‌عنوان قاعده جهانی متضمن ایجاد سازش بین ضرورت توسعه و ضرورت حفاظت و حمایت از محیط‌زیست است.^{۹۰} علاوه بر این، امروزه اجرای پروژه گاپ در تعارض آشکار با قاعده توسعه پایدار قرار دارد، چرا که هدف این قاعده برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به‌مخاطره‌انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده است. از بین رفتن اراضی زراعی عراق و سوریه، کوچ اجباری جمعیت، ایجاد سرچشمه‌های گردوغبار و از بین رفتن آثار باستانی، همگی حاکی از نقض قاعده توسعه پایدار توسط دولت ترکیه است.

د. قاعده جلوگیری^{۹۱}

قاعده جلوگیری، در صدد حفاظت از محیط‌زیست از طریق اتخاذ اقدامات پیشگیرانه است.^{۹۲} به این ترتیب، این قاعده تکلیف می‌کند دولت‌ها در به‌کارگرفتن مقررات باید سعی کنند که بر مبنای عمل منصفانه و به‌درستی در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش دولتی و خصوصی^{۹۳} تحت قلمرو نظارت و کنترل وی، برای محیط‌زیست زیان‌آور نباشد.^{۹۴} قاعده مزبور غایت خود را پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست قبل از وقوع واقعه قرار داده است. بنابراین این قاعده در صدد رفع آثار زیان‌آور بعد از وقوع واقعه مورد نظر نیست.^{۹۵} قاعده یادشده در مواردی که قطعیت علمی در مورد زیان‌باربودن فعلیتی بر محیط‌زیست وجود دارد به اجرا درمی‌آید. در این موارد، عامل آن

88. Stephens, Tim. *International Courts and Environmental Protection*, Cambridge University Press, 2009, p. 190.

89. Judge Weeramantry

90. McIntyre, Owen. *Environmental Protection of International Watercourses under International Law*, Routledge Publisher, 2007, p. 244.

91. The Rule of Prevention

92. Nakanishi, Yumiko. *Contemporary Issues in Environmental Law: The EU and Japan*, Springer Publisher, 2016, p. 31.

۹۳. به‌عنوان یک اصل کلی، رفتار اشخاص یا نهادهای خصوصی به‌موجب حقوق بین‌الملل به دولت قابل انتساب نیست. در عین حال در شرایطی ممکن است چنان رفتاری به دلیل وجود رابطه موضوعی میان شخص یا نهاد مرتکب رفتار و آن دولت، به دولت مزبور منتسب شود. ماده ۸ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، به دو مورد از چنین شرایط و وضعیت‌ها می‌پردازد. مورد نخست مربوط به اشخاص خصوصی است که در انجام رفتار متخلفانه از دستور یک دولت پیروی می‌کنند. مورد دیگر وضعیت کلی‌تری است که در آن اشخاص خصوصی تحت هدایت و کنترل یک دولت عمل می‌کنند. ن.ک:؛ مسئولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، شهر دانش، ۱۳۹۱، ص ۶۵.

۹۴. کیس، الکساندر؛ پیتراچ، سند وینفرایدلانگ؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسین حبیبی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، ص ۷۹.

95. Etty, Thijs, Somsen, Han. *The Yearbook of European Environmental Law*, Oxford University Press, vol. 8, 1st ed., 2008, pp. 3-4

فعالیت باید از انجام آن رفتار خودداری، یا دولت مسئول نباید مجوز آن رفتار را صادر کند.^{۹۶} برخی از نویسندگان معتقدند قاعده جلوگیری در حوزه حقوق بین‌الملل (عام) نخستین بار در قضیه داوری *ترول/اسملتر* مطرح شده است.^{۹۷} این رأی بیان‌گر مبنایی برای تعهد به پیشگیری و مسئولیت دولت‌ها بابت خسارات فرامرزی است.^{۹۸} داوری در رأی خود بیان کرد که دولت کانادا باید در آینده از ورود خسارات به سرزمین ایالات متحده امریکا پرهیز کند.^{۹۹} همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو ضمن تأکید بر ماهیت عرفی این قاعده اعلام می‌دارد که کلیه دولت‌ها متعهدند از کلیه ابزارهای موجود به منظور جلوگیری از فعالیت‌هایی که موجب ورود خسارت جدی به محیط‌زیست دولت دیگر می‌شوند، استفاده کنند.^{۱۰۰} تعهد دولت‌ها را به جلوگیری از ورود خسارت به محیط‌زیست، آن‌هم به‌طور خاص در حوزه سدسازی می‌توان در قضیه *سد گابچیکوو - ناگیماروس* مشاهده کرد. دیوان در این قضیه قاعده جلوگیری را توصیف و بیان می‌کند که در حوزه حفاظت از محیط‌زیست، با عنایت به غیرقابل‌جبران بودن آسیب وارده به محیط‌زیست، جلوگیری ضروری است.^{۱۰۱} علاوه بر این، به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت‌های دولت‌های افغانستان و ایران در رودخانه هیرمند و جلوگیری از ورود آسیب به محیط‌زیست، به‌موجب ماده ۸ موافقت‌نامه راجع به آب هیرمند، هریک از طرفین یک نفر کمیسار و یک نفر معاون کمیسار از بین اتباع خود تعیین خواهد کرد. در هر صورت، اهمیت سدسازی در رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جوامع بشری از یک طرف و لزوم حفاظت از محیط‌زیست طبیعی برای نسل‌های حال و آینده با عنایت به ماهیت شکننده محیط مزبور از طرف دیگر، مستلزم وضع قوانین و مقررات به منظور پیش‌بینی و پیشگیری از ورود خسارت به آن است. در این جریان قانونگذاری، دولت به‌عنوان مظهر حاکمیت می‌تواند از طریق پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی نقش مثبتی در اجرای قواعد پیشگیرانه ایفا کند.

۹۶. تقی‌زاده انصاری، مصطفی؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۶۴.

۹۷. این رأی پیشگیری را به‌عنوان قاعده اساسی حقوق بین‌الملل که دولت‌ها را ملزم به پیش‌بینی آلودگی‌های فرامرزی می‌کند، به رسمیت می‌شناسد. ن.ک:

De Sadeleer, Nicolas. *Environmental Principles: from Political Slogans to Legal Rules*, Oxford University Press, 1st ed., 2002, p. 62.

98. Verheyen, Roda, *Climate Change Damage and International Law: Prevention Duties and State Responsibility*, Martinus Nijhoff Publishers, 2005, p. 148.

99. Larsson, Marie-Louise. *The Law of Environmental Damage: Liability and Reparation*, Martinus Nijhoff Publishers, 1999, p. 158.

100. Patel, Bimal. *The World Court Reference Guide and Case-Law Digest: Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (2001-2010) and Case-Law Digest (1992-2010)*, Martinus Nijhoff Publishers, 2014, p. 855.

101. ICJ Reports. 1997, p. 75.

هـ. قاعده ارزیابی آثار زیست‌محیطی^{۱۰۲}

ارزیابی قبلی فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد. از آنجا که کوتاهی و قصور در تلاش جهت جلوگیری از خطرات فرامرزی می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی شود، این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقیق ارزیابی آثار زیست‌محیطی می‌تواند به‌عنوان استاندارد جهت تعیین میزان توجه و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند.^{۱۰۳} بنابراین ارزیابی خطر، عنصری از اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی است چرا که مفهوم ارزیابی در ارتباط با آثار مستقیم و غیرمستقیم اقدامات آتی است.^{۱۰۴} «کمسیون ۱۹۹۷» در تأیید قاعده ارزیابی آثار زیست‌محیطی بیان می‌دارد که دولت‌ها در فرایند سدسازی متعهدند آثار زیست‌محیطی سدها بر رودخانه‌ها و دولت‌های همجوار رودخانه‌ها را ارزیابی کنند. این کمیسیون در خصوص بازه زمانی ارزیابی آثار زیست‌محیطی می‌افزاید: هنگامی که مطالعات اقتصادی و فنی به منظور ساخت سد آغاز می‌شود، مشاوران فنی و سازمان‌های دخیل در فرایند سدسازی باید بر مسائل زیست‌بومی تمرکز کنند.^{۱۰۵} در حوزه سدسازی دیوان بین‌المللی دادگستری به قاعده ارزیابی آثار زیست‌محیطی اشاره کرده است. دیوان در قضیه سد بیان می‌کند که اطلاع از آسیب‌پذیر بودن محیط‌زیست طبیعی و پذیرش این مسئله که خطرات برای محیط‌زیست طبیعی باید به‌طور مداوم ارزیابی شود، در سالیان بعد از انعقاد معاهده، جدی‌تر پیگیری شده است.^{۱۰۶} دیوان در ادامه اذعان می‌کند که هر دو طرف دعوا موافق‌اند که باید به‌طور جدی نگرانی‌های زیست‌محیطی را مدنظر قرار دهند و اقدامات احتیاطی ضروری را انجام دهند. اما دو طرف اساساً در مورد پیامدهای این اقدامات احتیاطی بر طرح مشترک اختلاف نظر دارند. در این قضیه ممکن است ورود طرف ثالث در یافتن راه‌حل، بسیار سودمند و کارساز باشد به‌شرط اینکه هریک از دو طرف در مواضع خود با انعطاف عمل کنند.^{۱۰۷} همچنین به‌طور ضمنی می‌توان برداشت کرد مسئولیت دولت کانادا در قضیه سدگت به تبع فقدان ارزیابی سطح آب رودخانه ایجاد شده است. در این قضیه دولت کانادا متعهد بود که در صورتی که ساختمان و عملکرد سد، منجر به ورود خسارت به مالکان اموال مستقر در جزیره لیس‌گالوپ یا اموال سایر شهروندان دولت ایالات متحده آمریکا بشود، باید به زیان‌دیدگان غرامت بپردازد. در فاصله سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ سطح آب رودخانه بالا رفت و فقدان ارزیابی‌های لازم به منظور جلوگیری از این امر، منجر به جاری‌شدن سیل و ورود خسارت به محیط‌زیست

102. Rule of Environmental Impact Assessment

۱۰۳. موسوی، حسینی و موسوی‌فر؛ همان، ص ۱۹.

104. Sadeleer, Nicolas. *Implementing the Precautionary Principle: Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, Routledge Publisher, 2012, p. 81.

105. The Report of the World Commission on Dams, *op. cit.*, p. 236.

106. ICJ Reports. 1997, p. 68.

107. *Ibid.*

جنوب و شمال دریاچه‌های پنج‌گانه از جمله دریاچه /وتناریو و دارایی‌های اتباع امریکا شد.

نتیجه

در جامعه بین‌المللی معاصر، سدسازی به‌عنوان یکی از سازه‌های دست بشر، از نمادهای مدنیت و توسعه بشری محسوب می‌شود. علی‌رغم نقش سدها در مدنیت، در سدسازی تراجم مانیفست‌های توسعه بشری و حفاظت از زیست‌بوم طبیعی بیش از پیش نمایان است. به عبارت بهتر، لزوم توجه به توسعه بشر از یک سو و لزوم حفاظت از اکوسیستم طبیعی از سوی دیگر و نهایتاً رجحان یکی بر دیگری در حقوق بین‌الملل معاصر، امری مهم، سرنوشت‌ساز و ضامن حیات بشری است. کنکاش در اسناد الزام‌آور بین‌المللی مؤید فقدان مقررات قراردادی بین‌المللی الزام‌آور در خصوص تعهدات دولت‌ها در حوزه سدسازی است. با وجود این، امروزه در پرتو اسناد نرم بین‌الملل، آرای قضایی بین‌الملل و عرف بین‌الملل، قواعد حقوقی پدیدار شده‌اند که از قابلیت اعمال در حوزه سدسازی برخوردارند. در حال حاضر، مفهوم وستفالیایی حاکمیت مطلق در جامعه بین‌المللی با دگرذیسی ساختاری مواجه شده است. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به استناد دکترین حاکمیت مطلق سرزمینی و بدون توجه به پیامدهای اقداماتشان برای دولت‌های مربوطه به‌طور یک‌جانبه و خودسرانه، اقتدار حاکمه‌شان را بر آب‌های موجود در قلمروشان اعمال کنند. دکترین مزبور در دنیای محدودیت منابع آبی و ضرورت محافظت هرچه بیشتر از محیط‌زیست نمی‌تواند پاسخگوی انسان باشد و در نتیجه از بُعد حقوقی چنین دکترینی مطرود و متروک است. دکترین یادشده در تعارض آشکار با قواعد استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، ضرورت، توسعه پایدار، پیشگیری و ارزیابی آثار زیست‌محیطی قرار دارد. امروزه دولت‌ها در فرایند سدسازی متعهد به رعایت قاعده عرفی استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین هستند. هرگونه عملیات سدسازی که منجر به کاهش حق آبه و خشک‌شدن زمین‌های کشاورزی دولت یا دولت‌های پایین دست رودخانه شود، نقض تعهد بین‌المللی آن دولت را به‌موجب قاعده مزبور به همراه دارد. بنابراین دولت یا دولت‌های پایین دست رودخانه که از رهگذر عملیات سدسازی دولت یا دولت‌های بالادست رودخانه زیان دیده‌اند می‌توانند به استناد قاعده عرفی استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت یا دولت‌های خاطی را فراهم کنند. علاوه بر این در جامعه بین‌المللی معاصر هرچند انعقاد موافقت‌نامه‌های مشترک در زمینه سدسازی رشد چشمگیری داشته است، در مواردی مشاهده می‌شود که دولتی به دلیل ضرورت حفاظت از محیط‌زیست طبیعی خود، اجرای معاهده را به حالت تعلیق درمی‌آورد. در واقع در چنین موارد استثنایی، نفع زیست‌محیطی در فرایند سدسازی بر نفع اقتصادی ناشی از اجرای معاهده اولویت دارد. در نتیجه دولت‌ها با استناد به قاعده عرفی ضرورت می‌توانند بدون آنکه مسئول شناخته شوند

در راستای حفاظت از محیط‌زیست خود از اجرای معاهده مربوط به سدسازی خودداری کنند. یکی دیگر از قواعدی که دولت‌ها در فرایند سدسازی متعهد به رعایت آن هستند قاعده توسعه پایدار است. دولت‌ها به‌موجب این قاعده متعهدند که در فعالیتهای اقتصادی خود همانند سدسازی، حفاظت مستمر از محیط‌زیست را به‌عنوان گنجینه دیرینه نسل‌های بشری در اولویت قرار دهند. امروزه حفاظت از این گنجینه دیرینه با عرفی‌شناخته‌شدن قاعده پیشگیری توسط دیوان بین‌المللی دادگستری شتاب بیشتری یافته است. بر اساس این قاعده، دولت‌ها در فرایند سدسازی مکلف‌اند با به‌کارگرفتن مقررات، فعالیت بخش دولتی و خصوصی خودشان را تحت کنترل درآورند تا از این طریق زیانی به محیط‌زیست وارد نشود. بدون تردید، هرگونه کوتاهی در ایفای این تعهد، موجب نقض تعهد بین‌المللی دولت خاطی و به تبع آن، مسئولیت آن دولت خواهد شد. در انتها باید از قاعده ارزیابی آثار زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از قواعد نوپای حقوق بین‌الملل یاد کرد که دولت‌ها بر اساس این قاعده متعهدند با انجام صحیح و دقیق ارزیابی آثار زیست‌محیطی، از وقوع خطرات ناشی از سدسازی پیشگیری کنند. اجرای صحیح این تعهد می‌تواند زمینه‌ساز اجرای تعهد به پیشگیری باشد.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- محمدعلی پور، فریده؛ حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، میزان، ۱۳۹۶.
- طیبی، سبحان؛ دیپلماسی محیط‌زیست و حقوق بین‌الملل توسعه پایدار، مجد، ۱۳۹۵.
- موسوی، سیدفضل‌الله؛ سیر تحولات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، میزان، ۱۳۸۵.
- مشهدی، علی؛ فهیمی، عزیزالله؛ اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست، دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
- شاو، ملکم؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه: علی مشهدی و حسن خسروشاهی، چاپ دوم، خرسندی، ۱۳۹۳.
- ابراهیم گل، علیرضا؛ مسئولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۱.
- کیس، الکساندر؛ پیترچ، سند وینفرایدلانگ؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسین حبیبی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، خرسندی، ۱۳۹۳.

- مقاله

- پیرستانی، محمدرضا و مهدی شفقتی؛ «بررسی اثرات زیست‌محیطی احداث سد»، فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی، دوره اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۸.
- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، پژوهشکده علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶.
- عزتی، عزت‌الله، محمدحسن خضری و محبوبه نیک‌فرجام؛ «تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۰.
- عزیزی، ستار و سیدمهدی موسوی؛ «پرونده گابچیکوو - ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- عصارى، مهتاب؛ «پروژه GAP آتشی زیر خاکستر (سدسازی بی‌رویه در آناتولی ترکیه)»، هیئت حسابرسی، زیست‌محیطی و توسعه پایدار، ۱۳۹۵.

خلا معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از ... ❖ ۴۰۹

- رنجبر حیدری، وحید و ابراهیم جمشیدی؛ «بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های زیست‌محیطی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۵.
- شیرازیان، شیرین، عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، فصلنامه پایداری، توسعه و محیط‌زیست، دوره دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.
- عبداللهی، محسن، جلال عطاری و فریبا آوریده؛ «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵.
- ستاری، محمدتقی؛ «بررسی اثرات منطقه‌ای پروژه‌های توسعه منابع آب ترکیه: مطالعه موردی پروژه گاپ و سد ایلیسو»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶.
- موسوی، سیدفضل‌الله، سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۴.
- موسوی‌زاده، رضا و مرتضی عباس‌زاده؛ «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۲، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۵.
- مهاجری، سیدحسین، سیدمحمدامین نجیبی و مهدی شهرکی؛ «مروری بر روش‌های حفاظت از محیط‌زیست در پروژه‌های سدسازی»، فصلنامه مهندسی و مدیریت ساخت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.

ب. انگلیسی

- Books

- Adman, Fatemeh, *Water Dispute Escalating between Iran and Afghanistan*, Atlantic Council, 2016.
- Wieland, Martin. Tan, John S.Y. Ren, Qingwen, *New Developments in Dam Engineering*, CRC Press, United States, 2014.
- Lewis, Melissa, Kuokkanen, Tuomas. Couzens, Ed. Honkonen, Tuula, *International Environmental Law-making and Diplomacy: Insights and Overviews*, Routledge Publisher, 2016.
- Brennan, Shane. Herzog, Marc, *Turkey and the Politics of National Identity: Social, Economic and Cultural Transformation*, I.B. Tauris Publishers, 2014.

-
- Atapattu, Sumuda, *Emerging Principles of International Environmental Law*, Transnational Publisher, United States, 2007.
 - Davis, Peter. L. Stefano, Michelle, *The Routledge Companion to Intangible Cultural Heritage*, Routledge Publisher, 2016.
 - Versluis, Jan. Cornelisse, Peter A., *Education in Developing Countries: Rotterdam, 18–20 November, 1963*, Springer Publisher, 2013.
 - Aloys, Arthur M., *The Kabul, Kunduz, and Helmand Valleys and the National Economy of Afghanistan: A Study of Regional Resources and the Comparative Advantages of Development*, National Academy of Science-National Research Council Whashington, D.C., 1959.
 - Berga, L. Bofill, J.C. Polimon, A. Buil, E. De Cea, J.A, Manueco, J., *Dams and Reservoirs, Societies and Environment in the 21st Century*, Taylor & Francis Group, 2006.
 - Bradnock, Robert W., *The Routledge Atlas of South Asian Affairs*, Routledge publisher, 1st ed., 2016.
 - Brennan, Shane. Herzog, Marc, *Turkey and the Politics of National Identity: Social, Economic and Cultural Transformation*, I.B. Tauris Publishers, 2014.
 - Christina. Jones, Anthony. Vardanian, Trahel, *Threats to Global Water Security*, Springer Publisher, 2009.
 - Clark, Robert M. Mitchell, William L, *Target-Centric Network Modeling: Case Studies in Analyzing Complex Intelligence Issues*, CQ Press in United States, 2015.
 - Crawford, James. Robb, Cairo A. R., Bethlehem, Daniel L., Sands, Philippe, *International Environmental Law Reports*, Cambridge University Press, vol. 1, 1999.
 - De Sadeleer, Nicolas, *Environmental Principles: from Political Slogans to Legal Rules*, Oxford University Press, 1st ed., 2002.
 - Dekker, I.F., Hey, E., *Netherlands Yearbook of International Law, Volume 41: Necessity across International Law*, Cambridge University Press, 2010.
 - Etty, Thijs. Somsen, Han, *The Yearbook of European Environmental Law*, Oxford University Press, vol. 8, 1st ed., 2008.
 - Glyn Williams, Brian, *Afghanistan Declassified: A Guide to America's Longest War*, University of Pennsylvania Press, 2012.
 - Hrdina, Ivan. Romancov, Georgij. Zlámál, Jaromír. Barták, Jirí, *Underground Space – The 4th Dimension of Metropolises*, CRC Press, 2007.
 - Kaya, Ibrahim, *Equitable Utilization: The Law of Non-navigational Uses of International Watercourses*, Ashgate Publishing, 2003.
 - Kolars, John F. Mitchell, William A., *The Euphrates River and the Southeast Anatolia Development Project*, Southern Illinois University, 1991.

- Larsson, Marie-Louise, *The Law of Environmental Damage: Liability and Reparation*, Martinus Nijhoff Publishers, 1999.
- Lyster, Rosemary. Bradbrook, Adrian, *Energy Law and the Environment*, Cambridge University Press, 2006.
- Malcolm N., *International Law*, Cambridge University Press, 2016.
- Mc Glade, Katriona. Behnassi, Mohamed, *Environmental Change and Human Security in Africa and the Middle East*, Springer Publisher, 2017.
- McIntyre, Owen, *Environmental Protection of International Watercourses Under International Law*, Routledge Publisher, 2007.
- Nakanishi, Yumiko, *Contemporary Issues in Environmental Law: The EU and Japan*, Springer Publisher, 2016.
- Rogers, Peter P., Jalal, Kazi F., Boyd, John B., *An Introduction to Sustainable Development*, Earthscan Publisher, 2008.
- Sage-Fuller, Bénédicte, *The Precautionary Principle in Marine Environmental Law, with Special Reference to High Risk Vessels*, Routledge Publisher, 2013.
- Sands, Philippe. Peel, Jacqueline, *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2016.
- Skinner, Gary. Crafer, Ken. Turner, Melissa, Skinner, Ann, Stacey, John, *Cambridge IGCSE® and O Level Environmental Management Coursebook*, Cambridge University Press, 2017.
- *The Report: Turkey 2012*, Oxford Business Group, 2012.
- Verheyen, Roda, *Climate Change Damage and International Law: Prevention Duties and State Responsibility*. Martinus Nijhoff Publishers, 2005.
- Verma, Rajinder, *Management of Natural Resource and Laws in India*, Laxmi Book Publication, 2016.
- Wirsing, Robert G., Adeel, Zafar, *Imagining Indus: Overcoming Water Insecurity in the Indus Basin*, Springer Publisher, 2016.
- Tomuschat. Christian, Zimmermann. Andreas, Oellers-Frahm. Karin, Tams. Christian J., *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, 2012.
- Pearce, David. Barbier, Edward. Markandya, Anil, *Sustainable Development: Economics and Environment in the Third World*, Routledge Publisher, 2013.
- Issar, Arie S., *Progressive Development: To Mitigate the Negative Impact of Global Warming on the Semi-arid Regions*, Springer Publisher, 2010.
- Belkin, Shimson, *Environmental Challenges*, Springer Publisher, 2012.
- Stephens, Tim, *International Courts and Environmental Protection*, Cambridge University Press, 2009.
- Patel, Bimal, *The World Court Reference Guide and Case-Law Digest: Judgments, Advisory Opinions and Orders of the International Court of Justice (2001-2010) and Case-Law Digest (1992-2010)*, Martinus Nijhoff Publishers, 2014.

- Sadeleer, Nicolas, *Implementing the Precautionary Principle: Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, Routledge Publisher, 2012.

- Articles

- Mizanur Rahaman, Muhammad, "Principles of International Water Law: Creating Effective Transboundary Water Resources Management", *Int. J. Sustainable Society*, vol. 1, No. 3, 2009.

- Documents

- The Report of the World Commission on Dams, *Dams and Development: A New Framework for Decision-Making*, Earthscan Publications Ltd., 2000.

- Cases

- Case Concerning the Gabčíkovo - Nagymaros Project (*Hungary v. Slovakia*), ICJ Reports, 1997.
- Gut Dam Case (*United States v. Canada*). Decisions of 1968 rendered by the Lake Ontario Claims Tribunal.

- Internet Resources

- <http://www.icj-cij.org/files/case-related/92/092-19970925-JUD-01-00-EN.pdf>.
- <http://www.fao.org/docrep/005/W9549E/w9549e07.htm>.
- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/95041>.
- www.dmk.ir/dorsapax/userfiles/file/hesab_zistmohiti/sadsazi_torkieh.pdf.
- https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%B5%D9%86_%DA%A9%DB%8C%D9%81%D8%A7.